

فلورا بختیاری منش^۱

بررسی نقش پرنده در هنر بین النهرین، ایران و مصر باستان

تاریخ دریافت مقاله : ۸۶ ۸ ۲۲

تاریخ پذیرش نهایی : ۸۶ ۱۱ ۲۳

چکیده

مقاله حاضر با عنوان «بررسی نقش پرنده در هنر بین النهرین، ایران و مصر باستان» سعی دارد با نگاه از منظری متفاوت به فصل مشترک تازه ای میان این تمدنهای باستانی دست یابد. در اینجا مقایسه تطبیقی نقوش پرندگان از زوایای گوناگون انجام گرفته و سعی شده به سوالاتی همچون: ۱- تاثیر باورها و اعتقادات مذهبی بر ترسیم پرندگان در آثار گوناگون، ۲- چگونگی تنوع گونه های پرندگان در آثار هنری، ۳- بررسی بال پرنده از نظر شمایل نگاری، ۴- بررسی بالها مبتنی بر اندازه و شکل ظاهری، و... پاسخی منطقی داده شود. نوع تحقیق بنیادی و روش انجام آن به صورت توصیفی و تحلیل محتوایی بوده و روش گردآوری اطلاعات از طریق استفاده از کتابخانه ها، بازدید از موزه های داخلی، و جستجو در پایگاههای اطلاع رسانی است.

واژه های کلیدی

پرنده، بررسی تطبیقی، بین النهرین، ایران، مصر.

مقدمه

«و آنگاه چمروش [۱] از فراز بلندترین کوهها به پرواز در می آید و انیران را، مانند پرنده ای که دانه از زمین جمع می کند، به منقار می کشد.» «سمبل ها، اثرگرترود جابز»

مقاله حاضر با عنوان «بررسی نقش پرنده در هنر بین - النهرین، ایران و مصر باستان» به دلیل پاکی و قداست مفهوم پرواز و ارتباط آن با آسمان که خود معنایی از آن جهانی بودن، رهایی، عظمت و بلند مرتبگی را به همراه دارد و به علت فقدان پژوهشی جامع و مختص در این زمینه، انتخاب و تلاش گردیده است مفهوم این نقش از دیدگاه انسان هزاره های پیشین بررسی و مقایسه گردد. آنچه مسلم است، اشتراکات فطری و عقیدتی حتی در نژادهایی با جغرافیای متفاوت، نگرشی است ثابت. این مقاله سعی دارد به اشتراکات و تفاوتی که در آثار هنری این دوسرزمین (نگاره ها، پیکره ها، دیوارنگاره ها، ظروف، منسوجات، آثار تزیینی و...) موجود است نظری افکنده و از این ره آورد به چگونگی تعاملات این دو تمدن باشکوه در ارتباط با استفاده از نقش پرنده پاسخی منطقی ارایه دهد. در اینجا سعی شده تا مفهوم این نقش از دیدگاه انسان هزاره های پیش بررسی و مقایسه گردد. این مقاله در پی پاسخگویی به سؤالات زیر می باشد:

۱- آیا اعتقادات دینی و باورهای مذهبی در خلق پرندگان گوناگون در آثار این تمدنها مؤثر بوده؟

۲- چگونگی ارتباط خورشید با پرنده در آثار مختلف؟

۳- بررسی شمایل نگارانه بال پرنده در آثار هنری بین النهرین، ایران و مصر.

۴- بررسی آثاری که در آنها از پرنده یا بال پرنده استفاده شده است.

۵- بررسی تحرک یا ایستایی پرندگان و موجودات بالدار در آثار بین النهرین، ایران و مصر.

۶- بررسی بالها از نظر شکل و اندازه در آن سه تمدن.

۷- بررسی عقاب (در ایران و بین النهرین) و شاهین (در مصر) در قالب نقش برجسته و پیکره.

۸- بررسی تنوع پرندگان در آثار بین النهرین، ایران و مصر.

از آنجا که باورها و اعتقادات مذهبی هر قوم و ملتی تاثیر مستقیم بر هنر و فرهنگ آن دارد، در ابتدا سعی شده مختصر پیرامون اساطیر، باورها و موجودات افسانه ای این تمدن ها توضیحاتی آورده شود. دین در بین النهرین: مذهب در بین النهرین بر محور چند خدایی بود و هر يك از خدایان مظهر یکی از پدیده های طبیعی محسوب می شد. «ایزدان بزرگ: کیهان به سه ناحیه تقسیم گردید و هر ناحیه، زیر فرمان يك ایزد قرار گرفت. بهره «آنو» [۲]، آسمان بود. زمین به «انلیل» [۳] رسید، «آ» [۴] نیز فرمانروای آبها گشت. آنان با هم تثلیث بزرگ ایزدان را به وجود آوردند (دلاپورت، ۱۳۷۶، ۲۲) مردوك [۵] فرمانروای ایزدان: «مردوك» بزرگترین فرزند «آ» بود. بخت او همگام با عظمت بابل [۶]، شهر برگزیده وی، رشد کرد «مردوك» همه ویژگیهای دیگر ایزدان را در خود جذب نمود و امتیازات گوناگون آنان را از آن خویش نمود. «مردوك» را عموما به گونه مسلح به نوعی شمشیر تصویر کرده اند که از دهای بالدار را به زمین می افکند. آشور [۷] ایزد جنگ و بزرگ ایزد آشوریان: ایزد ملی آشوریان «آشور» نام داشت که پس از سقوط بابل، مقام نخست را احراز کرد. پس آشور شهریار همه ایزدان، خود آفریده، پدر ایزدان، سازنده آسمان و جهان زیرین، بانی انسان، او که بر سرنوشت آدمیان فرمان می راند. آشور پیش از هر چیز، ایزدی جنگجو به شمار می آمد و در غرایز جنگجویانه ملتش شریک بود. آشور را عمدتاً به گونه قرص بالدار یا سوار بر ورزا، یا شناور در هوا، تصویر کرده اند. (دلاپورت، ۱۳۷۶، ۲۵) سین [۸] ماه الهه: «سین» در راس تثلیث ایزدان نجومی قرار داشت و راس دیگر آن را «شمش» [۹] ایزد خورشید، و «ایشتر» [۱۰] یا سیاره زهره تشکیل می دادند که هر دو فرزندان «سین» به شمار می رفتند. (دلاپورت، ۱۳۷۶، ۲۷) عداد [۱۱]: ایزد توفان: از آغاز هزاره دوم ق. م. توفان را به ایزد ویژه ای متعلق

می دانستند که نامش «عداد» بود. او را به گونه ایستاده برورزایی نمایانده اند که آذرخش در کف اوست. او ایزد برق و توفان بود. فرشتگان واجنه: فرشتگان یا «اوتوکو» پایگاهی پایین تر از ایزدان داشتند، مادر سرشت برخی ویژگیهای آنان شریک بودند. آنان به دو گروه نیک و بد تقسیم می شدند و حتی بیشتر از ایزدان در زندگانی روزمره آدمیان نقش داشتند. فرشتگان «شدو» [۱۲] و یا «لاماسو» [۱۳] نام داشتند و ارواح نگاهبان به شمار می رفتند. تصویر آنان را بر دروازه های پرستشگاهها به صورت ورزای بالدار با سر انسانی نقش می کردند. (دلپورت، ۱۳۷۶، ۳۵) «پهلوانان: «گیل گمش» [۱۴] پر آوازه ترین پهلوان آشوری - بابلی است که شخصیت و کارهای برجسته اش در منظومه ای طولانی که شاهکار ادبیات بابلی بشمار می رود، جاودان گشته است. او شهریار سرزمین سومر بوده است و در هزاره سوم ق. م. بر شهر «اوروک» [۱۵] یا «ارخ» [۱۶] فرمان می رانده است. او به سبب دلآوری و پیروزی اش در کارهای بزرگ و شگفت آور ممتاز بود (مک کال، ۱۳۷۵، ۱۲) در ایران ایزدان یا ایزد بانوان گوناگون نداریم و تنها موجودات و جانوران افسانه ای دیده می شوند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

جانوران افسانه ای ایران

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۳۵

بر خلاف بین النهرین که دین بر اساس چند خدایی بود، در سرزمین ایران «اهورا مزدا»، خدای بزرگ، آفریدگار همه و ولی نعمت همه موجودات زنده است. اوست که به اراده خود اعمال شاه را، که خود قدرت را به او اعطا کرده، هدایت می کند.

«اژی دهاک» [۱۷]: این موجود توسط اهریمن آفریده شد تا پیروان اهورا مزدا را نابود کند. در سراسر اساطیر ایران اژی دهاک به شکل ماری ویرانگر (دیو توفان و قحطی) ظاهر شده است. اژی به معنای (مار) و دهاک یعنی (مرد با زهر خند) است. اشوزوشت [۱۸] مرغ «اشوزوشت»، اوستا را از بر دارد و زمانی که آنرا می خواند دیوان به وحشت می افتند. احتمال می رود «اشوزوشت» نام مذهبی جغد است. چمروش: پرنده اساطیری ایران که همراه با سیمرغ دانه های درخت «گئوکرن» [۱۹] را جمع آوری و به مکان «تیشتر» [۲۰] جایی که آنها نگاهداری می شود، می برد. رخ [۲۱]: در بین ایرانیان و اعراب، پرنده افسانه ای خورشید بانیری شبی شگرف که دشمن مهلك مارها بود. سیمرغ (سئن) [۲۲]: در اساطیر ایران، سلطان پرندهگان، سیمرغ بالای درختی بزرگ و تناور به نام گئوکرن ماوا دارد و هرگاه از روی درخت بلند می شود و به پرواز در می آید تخمهای آن درخت به هر سو افکنده می شود. اوسه بار شاهد ویرانی دنیا بوده و از تمام علوم دورانها آگاهی دارد از این رو، نماینده خدای خدایان است. گرشیپت [۲۳]: در اساطیر ایران، پرنده ای است که سخن گفتن را می دانست. وی ماموریت داشت که آیین اهورا مزدا را در سراسر زمین بگستراند و مردمان را از سرمای شدید قریب الوقوع محافظت کند. کمک [۲۴]: در اساطیر ایران، دیو خشکسالی، پرنده بسیار بزرگی که بر زمین سایه می افکند و مانع باریدن باران می شد تارودخانه ها را بخشکاند. آدمیان و حیوانات را مانند دانه حبوبات می خورد. ورغن [۲۵]: کلاغ اساطیری ایران به معنای نمادین پیک خورشید، سرعت، نیرومندی و یکی از تجلیات «ورث رغن» (= بهرام) به شمار می رفت. همای (هوماک): مرغ افسانه ای شرق. موجود خستگی ناپذیری که مدام در حال پرواز است و هرگز در جایی استراحت نمی کند. وی را مبارک دانسته و اگر سایه او بر سر کسی افکنده شود، آن شخص تاج شاهی را بر سر خواهد گذارد. (مک کال، ۱۳۷۵، ۳۲)

اساطیر مصر

آتوم [۲۶]: خورشید پیش از طلوع «آتوم» ایزدی است که نامش ظاهراً از ریشه ای به معنای «عدم» یا «کامل بودن» می آید و در اصل یکی از ایزدان بومی «هلیوپولیس» [۲۷]، شهر خورشید و حیوان مقدس منسوب به او گاونر بود.

رع [۲۸] (یا فره): خدای خورشید: «رع» که احتمالاً به معنای «آفریننده» است، نام خورشید، فرمانروای مقتدر آسمان است. پرستشگاه اصلی اش در «هلیوپولیس» است. نوت [۲۹]: ایزد بانوی آسمان: «نوت» را معمولاً به شکل چهره ای زنانه تصویر می کردند، و اغلب گلدان مدوری بر سرش می گذاردند که هزوارش (معنی نگار) نامش بود. «ازیریس» [۳۰]: ایزد مردگان: «ازیریس» همچون روح نباتی که می میرد و بی وقفه باز زاده می شود، نمودگار ذرت، تاك و درختان است، او همچنین رود نیل به شمار می رود که هر سال فراز و فرود دارد. ایزیس [۳۱] (همسر ازیریس): ایزیس معمولاً به گونه زنی که اورنگی بر سر دارد، جلوه می یافته است. این اورنگ، هزوارش (معنی نگار) نام اوست.

هوروس [۳۲] فرزند اوزیریس و انتقام گیرنده او: نام اولاتینی است که خود ماخوذ از (Horus) مصری می باشد. او ایزدی خورشیدی بود و در نگاره ها، شاهینی بر سر دارد. او با نام هوروس، که در مصری تلفظ ویژه ای دارد به معنای آسمان، در نظر مصریان شاهینی می نمود که فراز سرشان در آسمان پرواز می کرد. بسیاری او را همچون شاهینی ایزدی می پنداشتند که دو چشمش، یکی خورشید و دیگری ماه بود. تصویر نگاره «ایزد» عبارت است از شاهینی که بر تیرکی نشسته است. در ایزدستان مصری می توان حدود بیست «هوروس» را باز یافت که در میان آنان تشخیص هوروس بزرگ یا «هاروئریس» [۳۳] اهمیت بسیار دارد. دیگر شاهین های مربوط به يك شخصیت خورشیدی چون «هوربهدتی» [۳۴]، «هوروس ادفو» [۳۵] و «هوروس» فرزند «ایزیس» است و «هارسی سیس» [۳۶] کودک انتقام گیرنده پدر است. (ویو، ۱۳۷۵، ۱۲، ۹)

«هاروئریس» [۳۷] ایزد آسمان: نامش شکل یونانی شده «هارور» [۳۸] است، به معنی «هوروس بزرگ» یا «هوروس برتر» او ایزد آسمان است و دو چشمش، خورشید و ماه به شمار می آیند. بهدتی (هوروسی دیگر): «هوربهدتی» یا «اوکه اهل بهدت است» نام دیگر «هوروس بزرگ آسمانی» است. او را در «بهدت»، ناحیه ای در ادفوی باستانی، می پرستیدند «بهدتی» را معمولاً به گونه قرص خورشیدی بالدار تصویر کرده اند. (ویو، ۱۳۷۵، ۲۲) هرختس [۳۹] هوروسی دیگر: شکل یونانی «هرخت» به معنی «هوروس افق ها» است. او نمودگار خورشید و مسیر روزانه آن میان نور و باختر است.

هارماخیس [۴۰] هوروسی دیگر: به معنی «هوروسی که برافق قرارداد» است. هارسی سیس [۴۲] هوروس، فرزند ایزیس: همه هوروس های دیگر را تحت الشعاع قرارداد و به طور متوالی نقش و ویژگی های آنان را جذب کرد. هوروس در سراسر مصر در کنار مادرش «ایزیس» و پدرش «ازیریس» پرستیده می شد. (هارت، ۱۳۷۴، ۳۲) آمون [۴۳]: زئوس مصر و شهریار ایزدان: «آمون» پشتیبان نیرومندترین فراغنه بود و آنان را همچون فرزندان خویش می ستود و در برابر دشمنان، بدانان پیروزی می بخشید. پس بدیهی است که او را «شهریار ایزدان» قلمداد می کردند. آمون معمولاً به شکل چهره انسانی برنزه تصویر می شود که دستاری تاج گونه با دو نخل موازی بلند بر سر دارد. موت: [۴۴] همسر آمون - رع [۴۵]: «موت» همسر «آمون - رع» به شمار می رفت و یونانیان وی را با «هرا» (همسر زئوس) یکی می پنداشتند. نامش به معنی «مادر» است. او را همچون زنی نمایانده اند که دستاری به گونه کرکس بر سر دارد. کرکس هزوارش یا معنی نگار نام اوست. مرت سگر [۴۶] موسگر [۴۷]: نام ایزد - مارگورستان «تب» [۴۸] است. او را همچون ماری با سر انسان، یا حتی به صورت ماری سه سر، تصویر کرده اند. یکی سر انسان با قرص در میان دو پر، سرماری با همان نقش و نگار و سر کرکس. پرنده بنو [۴۹]: در میان جانوران مقدس، از پرنده ای به نام «بنو» نیز باید یاد کرد، زیرا هر چند او شخصیتی کاملاً افسانه ای داشت، باستانیانی بی هیچ تردیدی واقعیتش را قبول داشتند. او را به عنوان روح «ازیریس» در «هلیوپولیس» می پرستیدند و به آیین «رع» (خدای خورشید) نیز منتسب می کردند. راهیان «هلیوپولیس» گفته اند که قفنوس مزبور همانند عقاب بود، درست به همان اندازه و پیکر. در حالی که «بنو» بیشتر به مرغ ماهی خوار شباهت داشت.

(ویو، ۱۳۷۵، ۳۱، ۳۵)

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۳۶



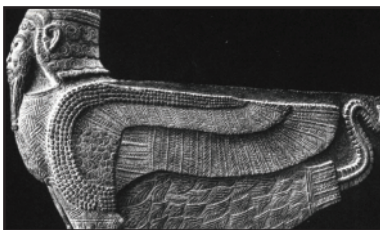
تصویر ۱ ایزد لاگاش
(گیرشمن ۱۹۶۲، ۳۲)

بررسی تطبیقی

آنچه آمد توضیح کوتاهی از اساطیر و باورهای مذهبی تمدنهای باستانی بین النهرین، ایران و مصر باستان بود و در اینجا می پردازیم به تفسیر و مقایسه آثار، شامل نقش، رنگ، روابط درون اثر و زبان بیانی این تمدنها. آنچه باستان شناسان کشف می کنند، از ابنيه، ظروف و دیگر مصنوعات بشری، به حلقه های زنجیری می ماند که می تواند از یک سوانسان امروزی را با گذشته دورش مرتبط سازد و از سوی دیگر پرده از وجود ارتباط میان اقوام مختلف بشری در گذشته دور بردارد. اقوامی که ممکن است در طول تاریخ چنان از یکدیگر جدا شده باشند که امروز تصور هر گونه قرابت و انس دیرینه را در میان خود باور نداشته باشند. همانطور که می دانیم این آثار به جا مانده بدون دست یابی به کلید درک معنا و مفهوم رمز و رازهایشان همچون کتابی خواهند بود که به زبان بیگانه نگاشته شده باشد، لذا تا انسان به زبان هنر هر دوره آشنا نشود نخواهد توانست معارفی را که در لابلای خطوط، رنگها، شکلهای و... نهفته است در یابد. امروزه محققان و اندیشمندان خلق این آثار را نه تنها به جهت باز نمایی شکوه و جلال و عظمت فرهنگی هر قوم می دانند بلکه آن را پاسخی به نیاز بشر به بعد روحی خود دانسته و این نیاز را جزئی از ذات او به شمار می آورند. در سطور بعد قصد بر آن است که ساختار و ویژگی های هنر انسانهایی را که در جغرافیایی متمایز می زیسته اند و منشأ ظهور آثار والایی بوده اند از دریچه پرداختن به کاربرد نقش پرنده در آثارشان مورد دقت و بررسی قرار دهیم.



تصویر ۲- عداد ایزد بابلی طوفان
(گريشمن، ۱۴۰۱، ۱۹۶۲)



تصویر ۳- ایزد عقرب با بالهای پرنده
(گريشمن، ۱۴۰۱، ۱۹۶۲)

الف- مقایسه تطبیقی اندیشه بین النهرین، ایران و مصر باستان در دین و پر تو آن در خلق پرندگان در آثار هنری: همانگونه که گفته شد، در میان مردمان بین النهرین مذهب بر محور چند خدایی بود و هریک از خدایان مظهریکی از پدیده های طبیعی بودند. مردمان این سامان به رب النوع های خود «خدایان نگهبان» می گفتند و آنان را مقتدر و توانا می پنداشتند به همین دلیل کوشش می کردند تجسم خدایان چنان باشد که این قدرت و توانایی را به بهترین وجه بنمایانند. برای مثال در تصویر ۱ ایزد لاگاش رادر حالی که عقابی را در دست گرفته می بینیم (عقاب نشان ویژه این ایزد است) در این جا پیکر ایزد با

عضلاتی برجسته و نیرومند که حاکی از صلابت و استواری است با چهره ای آرام که نشان از تسلط او بر امور دارد نمایش داده شده است. آنچه جالب توجه می باشد همراهی پرنده ای نظیر عقاب با این ایزد است که خود مظهر قدرت، سرعت و صلابت می باشد. پرنده ای که خود شکارچی است و بر دیگر پرندگان تسلط دارد و به راحتی نمی توان او را شکست داد. بالهای باز شده پرنده آمادگی او را برای اجرای فرامین ایزد اعلام می کند. در تصویر ۲ نیز «عداد» ایزد بابلی طوفان را در حالی که سوار بر

بررسی نقش پرنده در هنر بین النهرین...

نامه هنرهای تجسمی و کار بروی

ورزایی است و گرز تندر را در دست گرفته می بینیم. در این تصویر نیز صلابت و نیرومندی را در بازنمایی پیکر ایزد داریم. علاوه بر آن در بالای سرش قرص بال بالدار نقش شده که خود یکی از باستانی ترین نقوش پیکره نگاری می باشد. باز هم همراهی بال پرنده (عقاب یا شاهین) را با ایزد می بینیم که بر فراز سرش گشوده شده و نشان از حمایت او دارد.

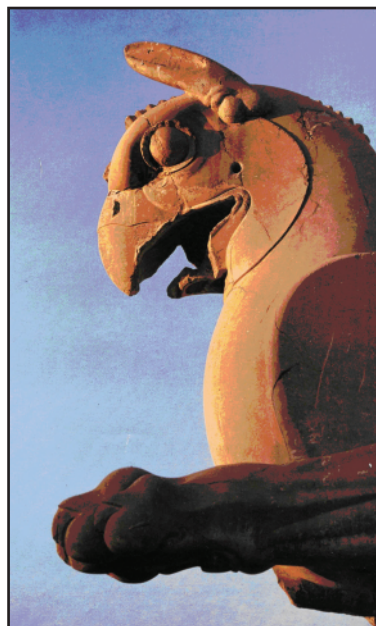
این پیکره با ترکیبی از بالهای پرنده، دم عقرب و سر انسان دارای همان صلابت و قدرتی است که در ایزدان دیگر گفته شد. در همه نمونه های ذکر شده همراهی پرنده یا بال آن را می بینیم. حال آنکه در اندیشه ایرانی «هورامزدا» آفریدگار همه و ولی نعمت همه آفریدگان زنده است. ما در اینجا دیگر ایزدان و ایزد بانوان گوناگون نداریم و دیگر از تندیس های سنگی یا مفرغی آنان اثری نیست. تنها نقش برجسته «فروهر» در دست است که حاکی از آن است که «هورامزدا» (سرور خردمند) در آسمان سلطنت می کند، و با بالهای خود زمین و فرمانروای آنرا دربرو تحت حمایت می گیرد. این قرص بالدار را بر فراز نقش برجسته بیستون و بعضی بناهای تخت جمشید نیز می بینیم. ایرانیان خدا را خالق همه جهان می دانستند. این بدان معنی است که فرهنگ ایرانی، خدایی ایرانی را معرفی نکرده است مانند مصریان یا یونانیان بلکه خدای او خدای عالم و عالمیان بوده است و ما انعکاس این تفکر را در آثار آنها می بینیم. زرتشت بارها در تعالیم خود گفته است که جهان را دو نیرو اداره می کند: نیروی خیر و نیروی شر. خیر از اراده «هورامزدا» و شر از اراده اهریمن نشأت می گیرد. به همین جهت در این دوران اثری از ایزدان و ایزد بانوان در نقش برجسته ها و پیکره ها نمی بینیم و حضور پرنده یا بال پرنده را بیشتر در ورزاهایی که در مدخل ورودی کاخها قرار دارند یا حیوانات ترکیبی، گریفن ها و اسفنگس ها [۵۰] شاهد هستیم. در تصویر ۴ گاو بالدار با سر انسانی را داریم که در مدخل دروازه کاخ خشایارشا قرار گرفته. در این نقش برجسته گاو بالدار به عنوان نگهبان در مدخل دروازه قرار گرفته و یا در تصویر ۵ سرستون با سر عقاب و بدن شیر دیده می شود که در ایوان شمالی کاخ صد ستون واقع شده. در اینجا نیز پیکره فاقد نقشی ایزدگونه می باشد.

همچنین در تصویر ۶ (دسته جام به شکل بز شاخدار و بالدار از دوران هخامنشی) باز هم پیکره در قالب حیوانی تلفیقی بدون داشتن جنبه ایزدگونه به کار رفته. در اکثر نقوش برجسته یا ظروف و پیکره های باقیمانده از این دوران هیكل جانوری به مثابه حیواناتی خیالی نمود یافته اند و تقریباً در هیچ کجا جنبه ایزدی یا ایزد بانویی را که ورزها و پیکره های بین النهرینی داشتند به خود نگرفته اند. تنها نقشی که حالت ایزدگونه دارد همان قرص بالدار است.

در مصر باستان نیز که مذهب بر اساس اعتقاد به ایزدان و ایزد بانوان بود شاهد آثار زیادی هستیم که در آنها این خدایان



تصویر ۴- گاو بالدار تخت جمشید (گریشمن، ۱۹۶۲، ۹۳)



تصویر ۵- سرستون عقاب



تصویر ۶- بز بالدار (امیه، ۱۹۶۴، ۱۰۳)



تصویر ۷- سکه هخامنشی

نقش شده اند. از آنجا که مصریان به حیات پس از مرگ بیش از زندگی این جهانی اهمیت می دادند این خدایان در آثاری که مربوط به زندگی پس از مرگ بود بیشتر دیده می شوند. برای مثال در دیوار مقابر، معابد و پوشش تابوتها و یا به صورت طلسم روی سینه متوفی قرار داده می شدند. در اینجا لازم به توضیح است که در تمدن مصر، خود پرنده در حالت طبیعی (نه به صورت اسفنجس، ورزا یا گریفن) حالتی ایزدگونه داشت و در موارد دیگر نیز بال پرنده را با ایزدان و ایزد بانوان داریم.



تصویر ۸- سکه ساسانی

ب- بررسی خورشید (نور) در آثاری که پرنده یا بال پرنده در آنها موجود است (در دو تمدن مصر و ایران):

همانطور که قبلاً اشاره شد بر اساس تعالیم زرتشت جهان را دو نیرو اداره می کند: نیروی خیر و نیروی شر. در مصر باستان این اندیشه به صورت اعتقاد به دو اصل مرگ و زندگی تعبیر شده است. مرگ در مقابل زندگی که اصل آن در تکرار رویدادهای طبیعی نهفته بود و اعتقاد به تقارن را در آنها قوت بخشید. مصریان برای همه چیز و هر رویدادی قایل به تقارن بودند. فرو رفتن خورشید در غرب این تصور را برای آنان به وجود آورده بود که خورشید در آسمان دوم که زیر زمین است، فرو رفته است. به همین دلیل خورشید در سلسله مراتب خدایان در بالاترین سطح قرار داشت.

از آنچه گذشت می توان دریافت که:

۱- هر دو تمدن به «دو گوهر» و به «دو نیروی مقابل» معتقد بودند. این دو گوهر در اندیشه ایرانی «خیر و شر» و در اندیشه مصری «مرگ و زندگی» می باشد.

۲- نیز می توان دریافت «نور» در فلسفه ایرانی (آتش مقدس) و خورشید در فلسفه مصری مظهر زندگی و حیات بوده است. در هر دو تمدن آفتاب، مظهر هستی است.

با بررسی آثار ایران و مصر باستان، می توان به نتیجه رسید که در هر دو سرزمین پرنده یا بال آن در کنار نقش یا نمادی از خورشید بارها و بارها ترسیم شده است (شاید به این دلیل که پرنده میل ذاتی به پرواز به سوی نور دارد). بر روی سکه های عهد هخامنشی و ساسانی تصاویر شاهان که به صورت موجودی افسانه ای با سر انسان و بدن اسب یا شیر، و بال پرنده دیده می شوند حکاکی شده است. در این جا می توان گفت سکه های مدور و مهرها مانند نمادی از قرص خورشید بوده که شاه به صورت موجودی بالدار در مرکز آن نقش می شده است همچنین دو مهر مدور ساسانی را داریم که در مرکز یکی نقش خروس و در دیگری اسب بالدار و بز دیده می شود (تصاویر ۷، ۸، ۹ و ۱۰) و بیانگر همین اصل است (نقش پرنده در میان قرص خورشید) یعنی حرکت پرنده به سوی نور یا خورشید که خود مظهر پاکی و زندگی است.



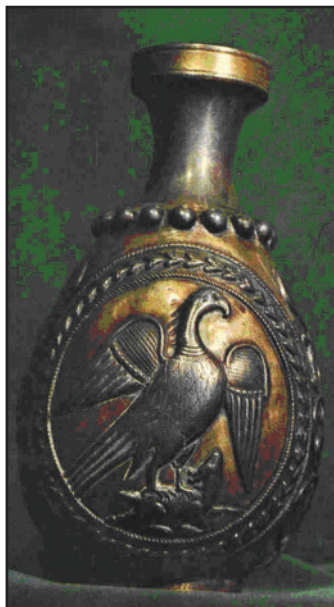
تصویر ۹- سکه ساسانی



تصویر ۱۰- سکه ساسانی (کورتز، ۱۹۷۶، ۴۹۰، ۵۰۰)

بررسی نقش پرنده در هنر بین النهرین ...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی



تصویر ۱۳- کوزه برنزی



تصویر ۱۲- گوشواره های
از [کاسن، ۱۹۱۴، ۶۵]



تصویر ۱۱- هوروس



تصویر ۱۴- قلمزنی
ساسانی [کورتز، ۱۹۷۶، ۵۶]

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

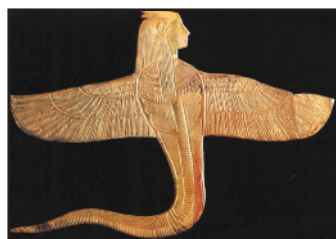
۴۰



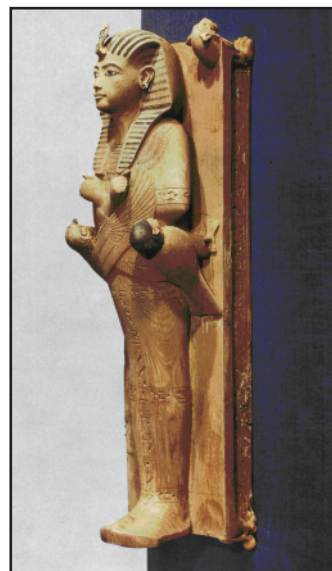
تصویر ۱۶- سفر آخرت فرعون
در کشتی کیهانی (ملک، ۲۰۰۳، ۳۹)



تصویر ۱۵- غلبه برندگان بر دشمنان
فرعون (وارن، ۱۹۶۸، ۹)



تصویر ۱۸- طلسم به شکل مار (اورایی)
بابالهای شاهین [ملک، ۲۰۰۳، ۶۳]



تصویر ۱۷- پوشش تابوت توت-آنخ-
آمون (ملک، ۲۰۰۳، ۴۸)



تصاویر ۱۹ و ۲۰- موجودات بالدار آشوری (هالووم، ۱۹۶۹، ۲۷)

در آثار مصری نیز شاهد همین همراهی نقش خورشید و پرند هسستیم. در تصویر ۱۱ «هوروس» یا «پرند خورشید» با بالهای گشوده دیده می شود. بالهای این شاهین که نمودگار خورشید نیز بوده در محیطی دایره وار گشوده شده و پره های رنگین این پرند مانند شعاعهای خورشید ترسیم گردیده است. در بالای سر شاهین قرص مدوری قرار دارد که همان خورشید می باشد. همچنین در تصویر ۱۲ یک جفت گوشواره با سر غاز دیده می شود که در این تصویر نیز نوک بالها در محیطی دایره وار به یکدیگر رسیده و یک قرص کامل را ایجاد نموده اند. غاز در مصر باستان پرند مقدس «ایزیس» و «وزیریس» بوده و نماد پاکی روان و روشنائی محسوب می شد. اعتقاد به تقدس خورشید و همراهی پرند یا بال پرند را با آن در بسیاری از آثار سرزمین مصر می توان یافت که در اینجا به منظور پرهیز از طولانی شدن مطلب به ذکر همین نمونه ها بسنده می گردد.

ج- بررسی تجلی دو اندیشه «خیر و شر» و «مرگ و زندگی» در کاربرد نقش پرند در آثار ایران و مصر باستان:

همانگونه که پیشتر آمد در هر دو تمدن به «دو نیروی مقابل» معتقد بودند. در اینجا قصد داریم تأثیر این اندیشه را در آثار هنری دو تمدن بررسی نماییم.

در ایران تصویر ۱۳ کوزه مفرغین با نقش عقاب را داریم که در حال شکار آهواست (غلبه پرند که نمادی از نیروی آسمانی بر آهو که موجودی زمینی است) و یا در تصویر ۱۴ قلمزنی دوره ساسانی است که در مرکز آن انسانی در حالیکه در یک دستش جام شاخی با سرگاو (نماد تاریکی، سرما، خشکسالی) را نگهداشته، نشسته است و در سمت دیگر عقابی (نماد قدرت و صلابت) نشسته بر شاخه های تاک دیده می شود. و اما تجلی «مرگ و زندگی» را در مصر در نمونه های زیر می توان بررسی کرد: در تصویر ۱۵ پرندگان را در حالی که بر دشمنان فرعون غلبه کرده اند می بینیم (غلبه زندگی بر مرگ) و یا در تصویر ۱۶ کشتی کیهانی که در آن فرعون به سرزمین «ایزیس» (ایزد مردگان) هدایت می شود. باز هم همراهی «هوروس» (ایزد خورشید) که نماد زندگی نیز محسوب می شود با فرعون که در حال حرکت به سوی دنیای مردگان است، تقابل دو اصل «مرگ و زندگی» را در کنار یکدیگر به نمایش گذارده است.

د- بررسی شمایل نگارانه بال پرند در آثار بین النهرین، ایران و مصر باستان:

با دقت در آثار باقیمانده از هر سه تمدن متوجه می شویم که بال پرند کاربرد بصری یکسانی ندارد. در بین النهرین، اکثر ایزدان و ایزدبانوان و ورزها دارای سه ردیف بال می باشند. در اینجا بالها بیشتر به صورت متقاطع یا از نیمرخ ترسیم شده اند.

در ایران به جز «فروهر»، نقشی که حالت ایزدگونه داشته باشد را نداریم و فقط موجودات تلفیقی (شیردال و هیولا) دیده می شود. در آثار دوره هخامنشی بالها اکثراً باز و از نیمرخ نشان داده شده اند و دارای چهار ردیف می باشند. تنها نقش فروهر است که از روبرو و دارای چهار ردیف بال می باشد. در دوران ساسانی به تدریج به آثاری برمی خوریم که در آنها بال به شکل بسته شده و از نیمرخ نشان داده شده، همچنین به حالت باز و از روبرو این نوع ترسیم بال از روبرو و یا بسته شده از نیمرخ را تا قبل از دوران ساسانی (به جز در قرص بالدار) در دست نیست. با توجه به اینکه این روش طراحی پرندگان از دوران ماقبل سلسله ها در مصر مرسوم بوده ۲۹۷۹ ق. م. ۵۵۰۰ ق. م. هم زمان با دوره العبید [۵۱] در بین النهرین می توان چنین نتیجه گرفت که نوع ترسیم پرندگان در دوره ساسانی تحت تأثیر هنر مصر بوده است.

ه- بررسی آثاری که در آنها از پرند یا بال پرند استفاده شده است:

در مصر آنجا که از پرند یا بال پرند استفاده شده، اکثر آثار مربوط به زندگی پس از مرگ می باشد، نظیر کتیبه های روی تابوتها، صفحاتی از کتاب مردگان، تعویذها و طلسم هایی که روی اجساد مومیایی

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

۴۱



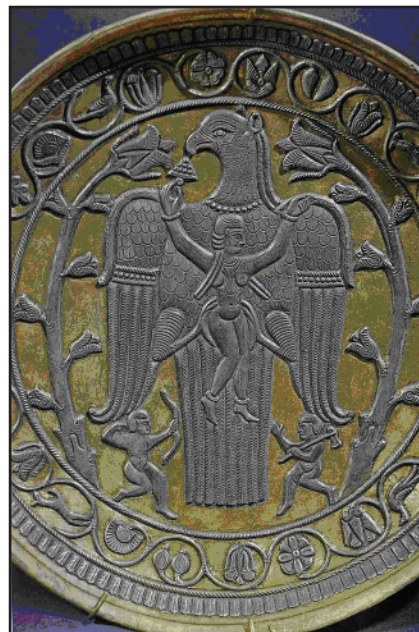
تصویر ۲۱-فرشته بالدار
اشوری (امیه، ۱۹۱۴، ۱۵۰)



تصویر ۲۲-قلمزنی ساسانی



تصویر ۲۴- ایزدبانو ایزیس



تصویر ۲۳- بشقاب ساسانی (کورتز، ۱۹۷۶، ۶۶)

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۴۲



تصویر ۲۶- قرص بالدار نمادی از هوروس (وارن، ۱۹۶۸، ۵۱)



تصویر ۲۷- هوروس در حال حمل لوحهای سلطنتی (ملک، ۲۰۰۳، ۳۰)



تصویر ۲۵- ایزدبانو نفتیس (ملک، ۲۰۰۳، ۱۰۲)



تصویر ۲۸- طلسم مینا بانقش هوروس [ملک، ۲۰۰۳، ۵۵]

قرار می دادند، دیوارهای مقابر و آرامگاهها و پوشش تابوتها. برخلاف مصر، در ایران و بین النهرین پرنده یا بال پرنده در آثاری که مربوط به زندگی روزمره است. نظیر: مهرها، سکه ها (تصاویر ۸ ۷ ۹ ۱۰)، کاخها (تصاویر ۳ ۴ ۵)، ظروف (تصاویر ۶ ۷ ۸ ۱۴)، در منسوجات و زیورآلات. در دو تمدن ایران و مصر، پرنده با سر، بال و دم، بیشتر در ظروف، جواهرات، مهرها، سکه ها، کتیبه ها، پوشش تابوتها و دیوارنگاره ها کاربرد داشته (نه مجسمه ورزاها یا ایزدان و ایزدبانوان). علت این امر را شاید بتوان چنین تفسیر کرد که: بعضی از قالب های هنری برای بیان آنچه به «درک» ما از شیء بیرونی که «تصور» نام دارد، نظام شمایی مناسب تری دارند. به عبارت دیگر بعضی از قالب های هنری حمل کننده درخورتری برای تصور ادراکات ما هستند و رابطه معنا دارتری را فراهم می کنند. برای مثال «اسفنکس» قالب مناسبتری برای حیواناتی نظیر شیر، اسب و گاو می باشد به این دلیل که زمینه واقعی و عینی که این حیوانات به آن تعلق دارند، طبیعت باز است و بیان هیبت، قدرت و صلابت در زمینه وسیعی چون طبیعت با وسعت زیادش، رابطه ای تنگاتنگ دارد، اما پرنده به دلیل اینکه زمینه واقعی و عینی اش آسمان است نمی تواند در این قالب بیان مناسبی پیدا کند، زیرا نمی توان در زیر آسمان، آسمان را عینیت داد چرا که مصداق پذیر نیست.

بررسی نقش پرنده در هنر بین النهرین ...

نامه هنرهای تجسمی و کار بروی

۴۳

و- بررسی بال پرنده از نظر اندازه و شکل:

با دقت در آثار بین النهرین متوجه این نکته می شویم که در فرشتگان، اجنه، ورزاها، ایزدان و ایزدبانوان اندازه بالها حدود یک سوم و در برخی موارد حتی نیمی از حجم بدن را شامل می شده. نوک بالها صاف و بدون انحنا بوده و بالها از پشت و از قسمت کتف بیرون زده است (تصاویر ۱۹ ۲۰ ۲۱). بالها باز و از نیمرخ یا روبرو بوده و به جزییات آنها توجهی نشده است. در پرندگان بالها تقریباً به اندازه معمولی و حتی در بعضی جاها کوچکتر از اندازه طبیعی ترسیم شده. بالهای پرندگان هم به صورت باز و هم بسته دیده می شود و شکل آنها بسیار ساده و تنها ردیف و خطوط شعاع مانند پرها نشان داده شده و به جزییات چندان توجهی نگردیده است.

در ایران، در موجودات ترکیبی بالدار، نوک بالها به طرف بیرون انحنا داشته (بجز نقش فروهر بالدار پاسارگاد) و به جزییات بالها در مقایسه با آثار بین النهرین بیشتر توجه شده است (تصاویر ۶ ۷ ۸ در مورد پرندگان بالها یا به صورت باز و از روبرو (به ندرت از نیمرخ) ترسیم شده اند و یا به حالت بسته و از نیمرخ (تصاویر ۲۲ و ۲۳) نکته جالب توجه در مورد آثار دوره ساسانی این است که اکثر پرندگان در فضایی دایره وار نقش شده اند برخلاف پرندگان بین النهرین که در فضایی بدون محدوده مشخص قرار گرفته اند (شاید بتوان گفت هنرمند دوره ساسانی درک بهتری از محدوده یا کادر در ذهن خود داشته است). اندازه بالها در پرندگان و موجودات بالدار ایران به اندازه طبیعی بوده و اغراق در بزرگ نمایی بالها دیده نمی شود. و اما در آثار مصر، تنها موجودات بالدار، ایزدبانوان می باشند که معروفترین آنها ایزدبانو «ایزیس»، ایزدبانو «نفتیس» [۵۲] و ایزدبانو «مسخت» [۵۳] نام دارند. در اینجا نیز مانند ایران و بین النهرین، قرص بالدار را داریم که یکی از نمادهای «هوروس» (ایزد خورشید) می باشد. در مورد بالهای ایزدبانوان و قرص بالدار با توجه به تصاویر (۲۴ ۲۵ ۲۶) باید گفت اندازه بالها بسیار بزرگتر از حد معمول است (نسبت به اعضای دیگر بدن) و جزییات بالها کاملاً نشان داده شده است. نوک بالها اکثراً تیز و دارای انحناست و در بیشتر موارد به صورت متقاطع و از نیمرخ ترسیم شده اند. در اینجا داستان ایزدبانوان به حالت کشیده نشان داده شده و بالها درست از زیر بغل تا میچ امتداد یافته اند. نحوه قرار گرفتن بالها در بدن به حالت بال پرندگان، بسیار نزدیکتر نسبت به بالهای موجودات بین النهرین (بال فرشته گونه) است.

در پرندگان مصری بال یا به صورت باز و کاملاً کشیده و از روبرو می باشد و یا به حالت گشوده در محیطی



تصویر ۳۰- هنر آشور (گریشمن، ۱۹۶۲، ۱۸)



تصویر ۲۹- مهر آشوری



تصویر ۳۲- قلمزنی ساسانی



تصویر ۳۱- نقش برجسته آشوری (گریشمن، ۱۹۶۲، ۲۰۶)



تصویر ۳۴- طلسم مینا بشکل کرکس (ملک، ۲۰۰۳، ۵۵)



تصویر ۳۳- بشقاب ساسان (کورتز، ۱۹۷۶، ۱۱۱)

بررسی نقش پرنده در هنر بین النهرین ...

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۴۵



تصویر ۳۶- نقش برجسته
مردودرناها (ملك، ۲۵، ۲۰۰۳)



تصویر ۳۷- نقاشی دیواری فرعون در حال
شکار (ملك، ۴۴، ۲۰۰۳)



تصویر ۳۵- نقاشی دیواری معبدی در
میدوم (وارن، ۲۰۲، ۱۹۶۸)

دایره وار (تصاویر ۱۱ ۱۲ ۲۷) و یا بسته و از نیمرخ یا روبرو ترسیم شده است (تصاویر ۱۶ ۲۸) اندازه بالها نیز گاهی بزرگتر از حد معمولی و گاهی نیز به اندازه طبیعی نشان داده شده است. در تمام موارد بالها با جزئیات دقیق و رنگهای متنوع کار شده اند. به نظر می رسد هنرمند مصری سعی در طبیعت پردازی هر چه تمام تر داشته و در این راه از عناصر تزئینی نیز بهره گرفته است. در حالیکه در پرندگان ایران و بین النهرین نوعی واقعگرایی اغراق گونه به چشم می خورد به همین دلیل می توان گفت آثار بین النهرین و ایران قدمی فراتر از آثار مصر هستند، زیرا همان طور که می دانیم دیدگاه واقعگرا [۵۴] دیدگاه پیشرفته تری از طبیعت گرا [۵۵] می باشد. نکته دیگری که از مقایسه موجودات بالدار مصر و بین النهرین جالب توجه به نظر می رسد این است که ایزدبانوان بالدار مصری در همه موقعیتهای نقشی حمایتگر دارند اما موجودات بالدار بین النهرین نه تنها حمایتگر بلکه پیام آور صلح و دوستی، تطهیرکننده، برکت بخش و نگهبان نیز بودند.

ز- بررسی پرندگان از نظر تنوع گونه ها در آثار هر سه تمدن:

در آثار بین النهرین، پرندگانی نظیر شترمرغ، سیمرغ، جغد، مرغ ماهیخوار و عقاب (تصاویر ۱ ۲۹ ۳۰) دیده می شوند. در ایران، پرندگانی چون عقاب، سیمرغ، شترمرغ، غاز یا اردک، کبوتر، خروس (تصاویر ۹ ۱۳ ۱۴ ۳۲ ۳۳) و لک را داریم. با بررسی آثار مصر، پرندگانی نظیر شاهین، شانه به سر، کرکس، غاز، اردک، لک، جغد، درنا و مرغ ماهیخوار و گنجشک (تصاویر ۱۲ ۲۷ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷)، جلب توجه می نمایند.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته آمد، می توان چنین نتیجه گرفت که تمدنهای مذکور هر چند دارای شرایط جغرافیایی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی متفاوتی بوده اند اما با توجه به آثار هنری آنان در برخی از جنبه ها نگاه زیبایی شناختی همسانی داشته اند که گویای تعاملات آنها از فرهنگ و باورهای یکدیگر است.

برای مثال قایل بودن ایزدان و ایزد بانوان بالدار و برخی پرندگان به عنوان نمادی برای هر یک از پدیده های طبیعی نظیر، توفان، سیل، حاصلخیزی، باروری، مرگ، و... در هر سه تمدن مشترک است. و یا در جایی دیگر، شاهد کاربرد نقوش پرندگان و موجودات بالدار اساطیری در معابد و پرستشگاهها در این تمدنها می باشیم که حاکی از اعتقاد این مردمان به قداست نقش پرنده و بال پرنده (که خود معنایی از آن جهانی بودن و پرواز دارد) است. همچنین کاربرد برخی پرندگان نظیر جغد، غاز، لک، لک، در آثار هر سه تمدن، نشان از اعتقاد به جنبه تقدس این گونه پرندگان نزد مردمان این سرزمینها دارد.

کوتاه سخن این که بررسی کاربرد نقش پرنده و موجودات بالدار در آثار بین النهرین، ایران و مصر باستان یکی از هزاران زمینه قابل تحقیق در مورد شناخت و درک فرهنگ و هنر و اعتقادات این اقوام می باشد و پرواضح است که بررسی هر یک از نقوش آثارشان به صورت مجزا، حلقه ای از حلقه های ارتباطی تمدنهایی را بر ما آشکار می سازد که ممکن است در طول تاریخ چنان از یکدیگر جدا شده باشند که در روزگار کنونی تصور هرگونه قرابت و انس دیرینه را در میان خود باور نداشته باشند.

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۴۶

پی نوشت ها

Roc- ۲۱	۱- camrus - مرغ
Saena - ۲۲	۲- Anu
Karshipta - ۲۳	۳- Enlil
Kamak- ۲۴	۴- Ea
Varghna- ۲۵	۵- Marduk
Autum - ۲۶	۶- Babylonia
Heliopolis - ۲۷	۷- Assure
Re - ۲۸	۸- Sin
Nut - ۲۹	۹- Samas
Osiris - ۳۰	۱۰- Istar
Isis - ۳۱	۱۱- Edad
Horos - ۳۲	۱۲- Shado
Haroeris- ۳۳	۱۳- Lamasu
Horbehdati - ۳۴	۱۴- Gilgamas
Edfao Horos - ۳۵	۱۵- Uruk
Harsisis - ۳۶	۱۶- Erech
Haroeris - ۳۷	۱۷- Azhi- Dhaka
Haror - ۳۸	۱۸- Asho -Zushta
Herkhetes - ۳۹	۱۹- Gaokerna
Haromakhis - ۴۰	۲۰- Tishtrya

Harsisis - ۴۱
Amun - ۴۲
Mut ۴۳
Amun Ra ۴۴
Mertsegar ۴۵
Mosgar ۴۶
Teb ۴۷
Beno Bird ۴۸
Gryphon-Sphinx ۴۹
al-obaïd ۵۰
Nephtis ۵۱
Meskhenet ۵۲
Realism ۵۳
Naturalism ۵۴

بررسی نقش پرنده در هنر بین النهرین ...

نامه هنرهای تجسمی و کار بر روی

۴۷

فهرست منابع

دلا بورت، ژیران. (۱۳۷۶). فرهنگ اساطیر آشور و بابل. ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، انتشارات ترانه، مشهد.

مک کال، هنریتا. (۱۳۷۵). اسطوره های بین النهرینی، عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.
ویو، ژ. (۱۳۷۵). فرهنگ اسطیر مصر، ترجمه ابولقاسم اسماعیل پور، انتشارات فکر روز، تهران.
هارت، جرج. (۱۳۷۴). اسطوره های مصری. ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.

- Amiet, Pierre.(1914). The Art of Near East. Cambridge university press. New York.
- Barber, E.J.W.(1991). Prehistoric Textiles: The development of cloth in the Neolithic and Bronze Ages with special reference to Aegean , Princeton University press, New Jersey.
- Boucher, Francois.(1967). 20000 years of Fashion. Abrams, New York.
- Catalogue by Janni, Burriau. (1988). Egyptian art in the Middle Kingdom ,Cambridge university press, New York.
- Girshman, Roman,(1962).Assure ,Crown publishers, New York.
- Hall, Rosalin.(1986). Egyptian crafts, Shire Egyptology. Bucks (England).
- Halwom, T.A.(1969).The History of New Assure art, 3rd edition, The new press, New York .
- Hart, George. (1993).A Dictionary of Egyptian Gods and Goddesses, 6th edition, Rout ledge, London and New York.
- Jaromir, Malek.(1967). Egypt, 4000 years of Art, First publish 2003. phaidon press.
- Kurtz, Seymour. (1967) The World Guide to Antiquities, 2nd edition , Crown publishers, New York.
- Lionel, Casson.(1914). Ancient Egypt, Princeton university press, New York.
- Sterlin, Henry.(2001). The Pharaohs Master-Builders, Finest S.A. editions Pierre Terrail,Paris .

The Art of Ancient Egypt, A portfolio, Masterpieces from Brooklyn Museums.(1996)

The new press, New York.

Warren, R.Dawson.(1968) F.R.S.E, F.S.A, Catalogue of Egyptian Antiquities in the British museum: The Trustees of the British museum.

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۴۸